

تحلیل محتوای کتاب‌های علوم دوره ابتدایی از نظر مقوله‌های سه گانه سواد تغذیه ای

اعظم غلامی^۱، معصومه محمودی قوزدی^۲، مرضیه دهقانی^۳

چکیده

یکی از ارکان سلامت جامعه، تأمین نیازهای جسمی و ذهنی از طریق تغذیه مطلوب است. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان توجه کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی و همچنین نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ناحیه ۲ کرمانشاه نسبت به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای در این کتاب‌ها است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش، عبارتند از: کلیه کتابهای علوم تجربی دوره ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم) در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵، ۲۵۵ نفر از آموزگاران پایه‌های اول تا ششم ناحیه ۲ شهرستان کرمانشاه. روش آماری این پژوهش، تحلیل توصیفی داده‌ها بود. به این منظور برای تحلیل محتوا از روش کریندوروف (۲۰۰۴) و برای تحلیل نتایج پرسشنامه از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد. مقوله‌های سواد تغذیه از نظر سه هدف دانشی، مهارتی و نگرشی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار تحلیل کتابها، سازه‌ی تحلیل محتوا بود که بر اساس مبانی نظری تهیه و روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن بر اساس فرمول ضریب پایایی هولستی محاسبه شد. ابزار گردآوری داده‌ها برای بررسی نظرات معلمان، پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط اساتید تأیید و پایایی آن از روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس یک سویه و آزمون تعقیبی شفه بهره گرفتیم. نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد میزان توجه به مقوله‌ها در متن کتاب‌ها ۴۴٪، سؤالات ۲۲/۱٪ و تصاویر ۳۳/۹٪ است. میزان توجه به مقوله‌های دانشی در متن، تصویر و سؤالات کتابها ۸۲/۲٪، مقوله‌های مهارتی ۱۶/۶٪ و مقوله‌های نگرشی ۱/۲٪ می‌باشد. در بررسی نظرات معلمان مشخص شد که مقوله‌های دانشی و تصاویر مربوط به مقوله‌ها در کتاب علوم دوم و سوم و مقوله‌های مهارتی و ارزشی در کتاب‌های علوم پایه سوم بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، علوم، دوره ابتدایی، سواد تغذیه ای، نگرش، مهارت.

^۱. عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، Azam.Gholami@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

^۳. عضو هیئت علمی گروه برنامه ریزی درسی دانشگاه تهران.

دریافت: ۹۷/۷/۲۶ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۰

مقدمه

امروزه توجه به سلامت جامعه به عنوان محور و زیربنای جامعه مورد تأکید قرار گرفته و تغذیه صحیح و متعادل، اساس دستیابی به آن تلقی می‌شود. آگاهی و دانش تغذیه‌ای، یکی از راه‌های رسیدن به تغذیه صحیح و متعادل است، به طوری که هر فرد در هر زمان بتواند با استفاده از علم و دانش کسب شده در انتخاب غذا و تأمین نیازهای تغذیه‌ای خود با شیوه‌ی صحیح اقدام نماید (ساویج کینک و همکاران، ۱۳۸۳). توجه به گروه‌های سنی در حال رشد در هر جامعه، سرمایه‌گذاری برای آینده مملکت است. توجه به رشد و تکامل طبیعی در دوران کودکی و نوجوانی به وسیله تغذیه خوب و حمایت بهداشتی ممتد و مداوم، نمایانگر سرمایه‌گذاری مؤثر در بهداشت و سلامتی آینده آنان است (رسولی، ۱۳۸۸). در کشور سازمان‌های مختلفی در امر فرهنگ و سواد غذا و تغذیه ای جامعه نقش آفرین هستند و یکی از این سازمانها که تأثیر عمیقی را در بالا بردن سواد تغذیه‌ای می‌تواند داشته باشد سازمان آموزش و پرورش است (سند ملی توسعه فرابخشی امنیت غذا و تغذیه، ۱۳۸۳) برای بهتر زیستن و تأمین سلامتی بدن، مجهز شدن به دانش تغذیه به انسان کمک می‌کند تا با انتخاب ترکیب مناسبی از مواد غذایی و تصحیح عادات نادرست غذایی، زندگی بهتر با کارایی بیشتر داشته باشیم (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰). امروزه ارتقاء سطح آگاهی- های تغذیه‌ای جامعه یا به عبارت بهتر مبارزه با مشکل بی‌سوادی تغذیه‌ای یکی از راهکارهای مفید برای کاهش میزان سوء تغذیه و بروز چاقی و بیماری‌های مرتبط با آن در سطح جامعه شناخته شده است (توکلی، ۱۳۹۰). مشکلات تغذیه‌ای با پیامدهای نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی شامل افزایش مرگ و میر و ابتلا به بیماریها، افزایش هزینه‌های درمان، کاهش ضریب هوشی و قدرت یادگیری، کاهش توان کار و توانمندیهای ذهنی و جسمی، روند توسعه کشورها را به خطر می‌اندازد (بایگی و همکاران، ۱۳۸۶). دوره ابتدایی مهمترین دوره تحصیلی در نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود زیرا شکل‌گیری شناخت و رشد همه جانبه فرد در این دوره بیشتر انجام می‌گیرد (صمدی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به بعضی تحقیقات داخلی که در زمینه سلامت و تغذیه انجام شده، نتایج حاکی از آن است که در دوره ابتدایی به دانش آموزان و کتابهای این دوره توجه قابل قبولی در زمینه سواد تغذیه‌ای نشده است و بطور مؤثر و کافی به این موضوع پرداخته نشده است (رفیعیان، ۱۳۹۳). بنابراین بخش بزرگ این امر بر عهده آموزش و پرورش است. از آنجا که آموزش دوره ابتدایی به عنوان مبنا و اصل همه آموزش‌ها مطرح می‌شود و سنگ زیربنای نظام آموزشی به شمار می‌آید، توجه اساسی به این دوره اهمیت ویژه‌ای دارد؛ محتوای کتاب‌های این دوره در ذهن دانش آموزان، اولین نقش‌هایی هستند که بر لوحی صاف و سفید نقش می‌بندد (دهقانی، ۱۳۸۸).

بنابراین با توجه به نقش برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌های درسی بخصوص درس علوم تجربی که یکی از اهداف آن پرداختن به مسائل زیستی و سلامت بدن است می‌خواهیم این موضوع را بررسی نماییم که محتوا، تصاویر و پرسش‌های کتابهای درسی علوم تجربی دوره ابتدایی تا چه میزان به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای توجه کرده است؟ با توجه به این که کتاب‌های مقطع ابتدایی جدید التالیف هستند و تاکنون در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته، بر آن شدیم تا محتوای کتاب‌های علوم تجربی را از این منظر مورد بررسی و نقد قرار دهیم. همچنین با توجه به این که کیفیت و کمیت محتوای کتاب درسی در جریان تدریس مشخص می‌شود نظرات معلمان مقطع ابتدایی را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. لذا تحقیق حاضر در نظر دارد علاوه بر تحلیل محتوا، نظرات معلمان پایه‌های (اول تا ششم) دوره ابتدایی ناحیه ۲ کرمانشاه را در مورد کتابهای علوم نسبت به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای به دانش آموزان بررسی نماید. تحقق

این مهم می‌تواند نقایص موجود در کتاب‌های علوم دوره ابتدایی را در خصوص آموزش مقوله‌های سواد تغذیه برطرف کند و از این طریق به جامعه و نسل جوان خدمت مؤثری داشته باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سواد تغذیه به مجموعه‌ای از توانایی‌های مورد نیاز برای درک اهمیت تغذیه خوب، در حفظ سلامت اشاره دارد. هدف اولیه از سواد تغذیه‌ای درک شناسایی غذاهایی است که مردم توانایی خود را برای تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد مقدار و نوع غذاهایی که برای حفظ سلامت و جلوگیری از بیماری‌ها لازم است؛ را بدست آورند. به عبارت دیگر فرایند آشنایی افراد با ارزش منابع موجود در دسترس و ترغیب آنان به تغییر رویه موجود است. به عبارت دیگر سواد تغذیه آموزش برای تغذیه بهتر و در نتیجه آوردن تغییرات مثبت مطلوب در دانش، نگرش و عملکرد به منظور افزایش وضعیت تغذیه فرد و جامعه به عنوان یک کل است (آلن، ۲۰۰۴). فرهنگ و سواد تغذیه‌ای یعنی که افراد تا چه اندازه در بهره‌گیری از منابع غذایی موجود توانایی داشته به عبارت دیگر سواد تغذیه‌ای این افراد به چه میزان می‌باشد و چگونه می‌توان این توانایی و سواد تغذیه‌ای را افزایش داد. یعنی چطور می‌توان با افزایش آگاهی افراد، آنها را قادر ساخت تا بین قیمت مواد غذایی موجود در بازار و بودجه‌ای که خانوار می‌تواند به تهیه مواد غذایی اختصاص دهد تعادل به وجود آورد و این کار را به نحوی انجام داد که نیازهای تغذیه‌ای افراد تأمین گردد و البته سلامت تغذیه‌ای نیز مد نظر قرار گیرد (رفعیان، ۱۳۹۳). اهمیت تغذیه در دوره‌های مختلف زندگی به خوبی روشن شده است. برقراری عادات غذایی خوب در دوران کودکی احتمال رفتارهای غذایی نامناسب را، که در سنین نوجوانی به وفور دیده می‌شود، در سنین بزرگسالی کاهش می‌دهد. دوران دبستان بهترین زمان برای شروع یک الگوی زندگی و غذای سالم است. این مرحله زمانی است که کودک باید غذاها و طعم‌های جدید را تجربه کند و علائق غذایی خود را بشناسد. سواد و فرهنگ تغذیه‌ای یک مقوله‌ی مهم در رشد صحیح جسمی و جلوگیری از ایجاد زمینه‌ی بسیاری از امراض مربوط به آن می‌باشد. در سالهای اخیر وضعیت تغذیه خوب به عنوان یک شاخص توسعه مورد قبول برنامه‌ریزان بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال رشد قرار گرفته است (معمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۳). تحلیل محتوا روشی "غیر واکنشی" و "غیر مداخله‌ای" است و چون اسناد مورد مطالعه و متون مورد تحلیل، پیش از این ثبت شده‌اند، بنابراین صاحبان اسناد و مؤلفان آثار را به کار تحلیل و واکنش فرا می‌خواند؛ البته تحلیل‌گران و محققان در کار تألیف و تدوین و ایجاد اسناد و مدارک مداخله‌ای ندارند. روش تحلیل محتوا به جای مشاهده مستقیم رفتار افراد یا پرسش در مورد آنها، پیام‌ها و آثاری که آنان پدید آورده‌اند را مورد توجه، تحلیل و مطالعه قرار می‌دهد و مطالعه‌ای که بر اساس تحلیل محتوا صورت می‌گیرد، بیشتر در پی شناخت ارزش‌های فرهنگی و دیدگاه‌های اجتماعی عمده‌ای است که عرضه می‌شوند (دهقانی، ۱۳۸۸).

در مورد موضوع پژوهش حاضر مطالعاتی در داخل و خارج از ایران انجام شده است از جمله مطالعه: کیان (۱۳۹۴) تحلیل برنامه درسی مغفول سواد تغذیه‌ای در دوره متوسطه را انجام داد و به این نتیجه دست یافت که منابع اطلاعاتی دختران و پسران برای کسب اطلاعات تغذیه‌ای متفاوت است و باید بازنگری ویژه‌ای در برنامه‌های درسی دوره متوسطه از نظر ارتقاء سواد و عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان صورت گیرد. رفعیان (۱۳۹۳) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به سواد تغذیه را انجام داده است و به

این نتیجه رسید که در بین واحد گروه‌های غذایی، بیشترین واحد به شاخص نان و غلات و آب آشامیدنی اختصاص یافته و کمترین برای شاخص شیر و لبنیات است و بیشترین ضریب اهمیت در دروس علوم تجربی دوره ابتدایی به شاخص میوه‌ها و کمترین ضریب اهمیت مربوط به شاخص شیر و لبنیات بوده است. صمدی و کاظمی بازار دهی (۱۳۹۰) تحلیل محتوای کتب مقطع ابتدایی بر اساس الگوی صحیح مصرف مواد غذایی را انجام دادند و بعد از تحلیل محتوا به این نتیجه رسیدند که وضعیت اطلاع رسانی این کتب نسبت به آب و کربوهیدرات بالاتر و نسبت به چربی، پروتئین، ویتامین و مواد معدنی ناچیز است. همچنین کمیت و کیفیت پیامها در کتاب علوم پایه سوم نسبت به بقیه کتاب‌های درسی در اولویت می‌باشد. پورعبداللهی و ابراهیمی ممقانی (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان آگاهی تغذیه‌ای دختران دانش آموز دبیرستان‌های تبریز انجام دادند. و به این نتیجه رسیدند که برای رسیدن به سطح مطلوب آگاهی تغذیه‌ای دختران، برنامه‌های توسعه‌یافته آموزشی و استراتژی‌های مناسبتری مورد نیاز است. میلسا و لویچ و همکارانش (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان دانش تغذیه و رژیم غذایی و بررسی عادات غذایی در جمعیت دبیرستان انجام دادند. نتایج آن این بود که سیاستها و استراتژی‌های سطح مدرسه باید مورد اصلاحات و بازبینی بیشتری قرار گیرد تا در نتیجه بتوان شیوه‌های مصرف مواد غذایی را در نوجوانان سنین ابتدایی و متوسطه بهبود بخشیده و همزمان شاخص‌های فرهنگی-اجتماعی مربوط به رفتارهای تغذیه‌ای را ارتقاء داد. فاستر و همکاران (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان یک سیاست مداخله‌ای در مدرسه برای جلوگیری از اضافه وزن و چاقی انجام دادند و نشان دادند که کمبود دانش تغذیه می‌تواند میزان پذیرش مواد غذایی مفید و مؤثر را کاهش دهد. پژوهش حاضر درصدد بررسی کتاب‌های درسی علوم تجربی ابتدایی از نظر میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه است و از این رو دو هدف کلی دارد:

۱- شناسایی میزان توجه کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای

۲- بررسی نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ناحیه ۲ کرمانشاه نسبت به کتاب‌های مذکور در زمینه مقوله‌ها و زیر مقوله-

های سواد تغذیه‌ای به دانش‌آموزان است.

همچنین این پژوهش در پی دستیابی به هدفهای ویژه‌ی زیر است:

۱- شناسایی میزان توجه متن کتاب‌های درسی (پایه‌های اول تا ششم) علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد

تغذیه‌ای

۲- شناسایی میزان توجه پرسش‌های کتاب‌های درسی (پایه‌های اول تا ششم) علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیر مقوله-

های سواد تغذیه‌ای

۳- شناسایی میزان توجه تصاویر کتاب‌های درسی (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد

تغذیه‌ای.

۴- بررسی نظرات معلمان (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد

تغذیه به دانش‌آموزان

سؤالات پژوهش

- ۱ - محتوای متن کتابهای علوم پایه‌های اول تا ششم تا چه میزان به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای پرداخته است؟
- ۲ - پرسشهای کتابهای علوم پایه‌های اول تا ششم تا چه میزان به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای پرداخته است؟
- ۳ - تصاویر کتابهای علوم پایه‌های اول تا ششم تا چه میزان به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای پرداخته است؟
- ۴ - نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم در مورد کتابهای علوم نسبت به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای به دانش-آموزان چگونه است؟

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل دو قسمت زیر است:

- ۱ - کتابهای علوم تجربی شامل کلیه کتابهای درسی علوم تجربی دوره ابتدایی از پایه اول تا ششم سال تحصیلی ۹۶-۹۵ است که تعداد آنها ۶ جلد و در مدارس ابتدایی، آموزش داده می‌شود.
 - ۲ - جامعه آماری معلمان برای نظرخواهی از آنان، شامل کلیه معلمان شاغل در منطقه شهری ناحیه ۲ شهر کرمانشاه که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ در مدارس ابتدایی این ناحیه از پایه اول تا ششم مشغول تدریس می‌باشند. بر اساس آمار گرفته شده از اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمانشاه شمار معلمان ابتدایی این ناحیه ۷۶۰ نفر می‌باشند.
- از جامعه اول به دلیل محدود بودن جامعه آماری، کلیه کتابهای هر شش پایه دوره ابتدایی، به عنوان نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه آماری آموزگاران با فرمول تعیین حجم نمونه کوکران ۲۵۵ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری از آموزگاران به صورت تصادفی ساده بود که از میان مدارس ابتدایی ناحیه ۲ شهر کرمانشاه، چند مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید و به آموزگاران آن مدارس پرسشنامه داده شد.

روش و ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع تحلیل محتوا است. در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات برای تحلیل محتوای کتب علوم، از چک لیست استفاده شد. چک لیست مقوله‌های سواد تغذیه‌ای پس از انجام مطالعات وسیع، جستجو در شبکه‌های رایانه‌ای و گردآوری اطلاعات از منابع داخلی و خارجی اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله و اسناد پژوهش‌کننده تحقیقات تغذیه کشور و راهنمایی اساتید تهیه و بعد از انجام تغییراتی در سه مقوله (دانشی، مهارتی و نگرشی) طبقه‌بندی شد. برای هر مقوله نیز زیرگروههایی در نظر گرفته شد که جمعاً ۵۰ مورد را شامل شد و روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن بر اساس فرمول ضریب پایایی هولستی محاسبه شد. بدین ترتیب میزان پایایی تحقیق بر اساس درصد توافق بین دو کدگذار و بر اساس فرمول ضریب پایایی هولستی محاسبه شد. و بر اساس آن میزان توافق بین آن‌ها ۸۵,۲۹ درصد به دست آمد.

این پژوهش از جنبه نحوه گردآوری داده‌های پرسشنامه از نوع توصیفی - پیمایشی است. به منظور دستیابی به نظرات معلمان دوره ابتدایی از یک پرسشنامه با ۴۱ سؤال بسته پاسخ استفاده گردید و برای هر پایه پرسشنامه مخصوص همان پایه تهیه گردید. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شد. در این پرسشنامه با توجه به اهداف و محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی و بر اساس چک لیست تهیه شده در زمینه مقوله‌های دانشی، مهارتی و نگرشی سواد تغذیه‌ای و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر و استفاده از راهنمایی استادان، در نهایت مجموعه پرسشها گردآوری گردید و روایی آن از طریق بررسی اعتبار محتوا توسط متخصصان و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید. مقدار آلفا برای مقوله‌های دانشی ۰,۹۳، مقوله‌های مهارتی ۰,۹۲ و مقوله‌های ارزشی ۰,۸۹ به دست آمد و چون در همه موارد بالاتر از ۰,۷ است نشان می‌دهد که پرسشنامه تحقیق از پایایی مناسبی برخوردار است.

روش تجزیه و تحلیل آماری

تجزیه و تحلیل اطلاعات و همچنین بررسی نظر آموزگاران با آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. تجزیه و تحلیل سؤال ۱،۲،۳ با استفاده از روش‌های آمار توصیفی با محاسبه توزیع فراوانی و درصدگیری انجام گرفت. سؤال ۴ با آزمون تحلیل واریانس یک سویه مورد تحلیل قرار گرفت. برای بررسی تفاوت معناداری، از آزمون تعقیبی شفه بهره گرفتیم؛ ثبت داده‌ها و محاسبات گوناگون نیز، توسط رایانه و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفت.

روش انجام پژوهش

هدف پژوهش حاضر عبارت از شناسایی میزان توجه کتاب‌های درسی علوم دوره ابتدایی به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای و همچنین بررسی نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ناحیه ۲ کرمانشاه نسبت به کتاب‌های مذکور در زمینه مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای به دانش‌آموزان است. در راستای این هدف محتواهایی که به مقوله‌های سواد تغذیه‌ای توجه داشت از کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی استخراج شد و در فهرست واری‌نوشته شد. در این تحلیل شش کتاب علوم تجربی (اول تا ششم) دوره ابتدایی و همچنین نظرات معلمان ابتدایی مورد بررسی قرار گرفتند. مقوله‌های سواد تغذیه‌ای در سه حیطه دانشی شامل (دانش سلامت محور شامل دانش غذا و تغذیه، دانش سبک زندگی، دانش بهداشت و ایمنی غذا، دانش علم غذا شامل شناخت غذا و فرایند تهیه آن و دانش نحوه پخت و تهیه غذا)، مقوله‌های مهارتی شامل مهارت‌های عملکردی (مهارت دسترسی به دانش، مهارت بکارگیری/استفاده از دانش، مهارت انتخاب غذا)، مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های تعاملی، مهارت بحث، مهارت خود کنترلی)، مهارت‌های تحلیلی (تحلیل رسانه، تحلیل برجسب تغذیه‌ای، مهارت مدیریت و تصمیم‌گیری در شرایط خاص) و مقوله‌های نگرشی شامل (مسائل ارزشی مرتبط با غذا و تمایلات تغذیه‌ای) و با تعدادی زیر مقوله تعیین و کدگذاری گردید. به منظور استخراج فراوانی‌ها جداگانه تهیه شد که در آن کدها و مقوله‌های سواد تغذیه ثبت گردید و پس از بررسی‌های تکمیلی و تعیین پایایی با تعیین میزان فراوانی‌ها و درصدهای آنها، جدولها و نمودارها مشخص و به سؤالات پژوهش پاسخ داده شد.

سؤال پژوهشی ۱: در مورد میزان مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای در محتوای متن کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم با توجه به تحلیل محتوای کتابهای فوق و جدول ۱، فراوانی‌های مربوط به هر سه حیطة (دانشی، مهارتی و نگرشی) و هریک از زیر مقوله‌های این حیطة‌ها استخراج گردید. لذا می‌توان گفت بر اساس یافته‌های بدست آمده از تحلیل محتوای کتب فوق‌الذکر اولاً سطح مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتب علوم تجربی، بر اساس درصدهای بدست آمده متوسط به پایین می‌باشد و ثانیاً از مقایسه بین کتب فوق‌الذکر مشخص است که تعداد و درصد مقوله‌های مربوط به سواد تغذیه در کتاب سال دوم بیشتر از بقیه کتاب‌ها می‌باشد و مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتاب سال اول نیز کمتر از سایر کتاب‌ها می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل محتوای کتب درسی مورد بررسی متن نشان می‌دهد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در متن کتابهای پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه اول، دوم و سوم سیر نزولی داشته است.

جدول ۱. فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه (دانشی، مهارتی و نگرشی) در متن کتابهای علوم تجربی ابتدایی

مجموع	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	پایه فراوانی
۲۸۳	۲۲	۳۴	۴۸	۷۹	۸۵	۱۵	
٪۱۰۰	٪۷/۸	٪۱۲	٪۱۷	٪۲۷/۹	٪۳۰	٪۵/۳	درصد

همچنین پراکندگی مقوله‌های سواد تغذیه در کتاب‌های پایه‌ی اول تا ششم با توجه به مقوله‌های سواد تغذیه (مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی) یکسان نبوده و بیشتر تأکید کتب فوق‌الذکر بر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه با فراوانی ۸۷/۶ درصد (که بیشترین فراوانی‌ها مربوط به زیرمقوله‌ی شناخت گروه‌های غذایی اصلی و دانش مرتبط با کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) و مباحث مرتبط با زنجیره غذایی) بوده است و به مقوله‌های مهارتی ۱۱ درصد و مقوله‌ی نگرشی سواد تغذیه، در حد کمی یعنی ۱/۴ درصد پرداخته شده است. و این نشان دهنده توجه پایین مؤلفان به مقوله‌های مهارتی و نگرشی و توجه بیشتر به مقوله‌های دانشی سواد تغذیه می‌باشد.

سؤال پژوهشی ۲: در مورد میزان مقوله‌ها و زیر مقوله‌های سواد تغذیه‌ای در پرسش‌های کتاب‌های علوم پایه‌های اول تا ششم با توجه به تحلیل محتوای کتاب‌های فوق و جدول ۲، مشخص گردید که در سؤالات کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی بر اساس یافته‌های بدست آمده از تحلیل محتوای کتب فوق‌الذکر اولاً سطح مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتب علوم تجربی، بر اساس درصدهای بدست آمده متوسط و متوسط به پایین می‌باشد و ثانیاً از مقایسه بین کتب فوق‌الذکر مشخص است که تعداد و درصد مقوله‌های مربوط به سواد تغذیه در کتاب سال سوم بیشتر از بقیه کتاب‌ها می‌باشد و مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتاب سال پنجم نیز کمتر از سایر کتاب‌ها می‌باشد. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی مورد بررسی در سؤالات نشان می‌دهد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه دوم و سوم سیر نزولی داشته است.

جدول ۲. درصد فراوانی مقوله های سواد تغذیه در سؤالات کتابهای علوم تجربی ابتدایی

پایه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	مجموع
فراوانی	۱۰	۳۵	۸۰	۶	۴	۷	۱۴۲
درصد	٪۷/۱	٪۲۴/۶	٪۵۶/۳	٪۴/۲	٪۲/۸	٪۴/۹	٪۱۰۰

ضمناً پراکندگی مقوله های سواد تغذیه در سؤالات کتاب های شش پایه ی ابتدایی با توجه به مقوله های سواد تغذیه (مقوله های دانشی، مهارتی، نگرشی) یکسان نبوده و بیشتر تأکید کتب فوق الذکر در سؤالات و فعالیت ها نیز بر مقوله های دانشی سواد تغذیه که ۶۵ درصد بود (که بیشترین فراوانی در زیر مقوله ی شناخت گروه های غذایی اصلی و دانش مرتبط با کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) و مباحث مرتبط با زنجیره غذایی) بوده است و در سؤالات به مقوله های مهارتی ۳۵ درصد و به مقوله های نگرشی سواد تغذیه در سؤالات پرداخته نشده بود.

سؤال پژوهشی ۳: در مورد میزان مقوله ها و زیر مقوله های سواد تغذیه در تصاویر کتاب های علوم پایه های اول تا ششم نتایج تحلیل محتوا در جدول ۳ نشان داد که اولاً سطح مقوله های سواد تغذیه موجود در تصاویر کتب علوم تجربی، بر اساس درصدهای بدست آمده متوسط به پایین می باشد و ثانیاً از مقایسه بین کتب فوق الذکر مشخص است که تعداد و درصد مقوله های مربوط به سواد تغذیه در تصاویر کتاب سال سوم بیشتر از بقیه کتاب ها می باشد و مقوله های سواد تغذیه موجود در تصاویر کتاب سال ششم نیز کمتر از سایر کتاب ها می باشد. در اینجا نیز مشاهده شد که فراوانی مقوله های سواد تغذیه در تصاویر پایه های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه اول، دوم و سوم سیر نزولی داشته است.

جدول (۳): درصد فراوانی مقوله های سواد تغذیه در تصاویر کتابهای علوم تجربی ابتدایی

پایه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	مجموع
فراوانی	۲۲	۳۵	۱۰۵	۲۴	۱۷	۱۵	۲۱۸
درصد	٪۱۰/۱	٪۱۶	٪۴۸/۲	٪۱۱/۱	٪۷/۸	٪۶/۸	٪۱۰۰

ضمناً پراکندگی مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب‌های شش پایه با توجه به مقوله‌های سواد تغذیه (مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی) یکسان نبوده و بیشتر تأکید کتب فوق‌الذکر در تصاویر نیز بر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه ۸۵ درصد بود (که بیشترین فراوانی در زیر مقوله‌های شناخت گروه‌های غذایی اصلی و دانش مرتبط با کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) و مباحث مرتبط با زنجیره غذایی) بوده است و به مقوله‌های مهارتی ۱۲ درصد (که بیشترین فراوانی آن در زیر مقوله‌ی توانایی جستجو و بدست آوردن اطلاعات تغذیه‌ای مورد نیاز از منابع مختلف، توانایی تهیه و آماده سازی غذا و میان وعده‌های سالم و بهداشتی، توانایی گفتگو و تبادل اطلاعات با دیگران بوده) پرداخته شده و به مقوله‌های نگرشی سواد تغذیه در تصاویر در حد کمی یعنی ۱/۸ درصد پرداخته شده است.

سؤال پژوهشی ۴: در مورد بررسی نظرات معلمان (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم به مقوله‌ها و زیر

مقوله‌های سواد تغذیه (دانشی، مهارتی و نگرشی) به دانش آموزان، این سؤال از دیدگاه معلمان علوم تجربی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های بدست آمده از آمار توصیفی نظر اکثر معلمان در مورد مقوله‌های دانشی سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، پنجم و ششم در حد کم و متوسط بوده و برای کلاس سوم در حد متوسط و زیاد می‌باشد و برای کلاس چهارم کم به پایین می‌باشد. جهت مقایسه نظر دبیران کلاسهای مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد (جدول ۴) با توجه به آزمون، اختلاف دیده شده بین میانگین امتیازات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی به مقوله دانشی کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده گردیده است و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با ۰,۰۰۱ گزارش شده که از سطح بحرانی ۰,۰۵ کوچکتر گزارش شده است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد مقوله دانشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد به این معنی که مقوله‌های دانشی سواد تغذیه در کتاب سال سوم و دوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و این دو کتاب دانش آموزان را بیشتر با مقوله‌های دانشی سواد تغذیه آشنا می‌کند.

جدول ۴. آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد مقوله‌های دانشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
دارای تفاوت معنادار	۰,۰۰۱	۲۳,۷۳	۵	۰,۶۴	۱,۸۷	پایه اول
				۰,۴۱	۲,۱۹	پایه دوم
				۰,۴۷	۲,۵۸	پایه
				۰,۷۶	۱,۲۸	پایه
				۰,۷۵	۱,۶۷	پایه
				۰,۵۳	۱,۷۳	پایه

برای مشخص شدن تفاوت بین گروهها از آزمون شفه بهره گرفتیم. با توجه به جدول آزمون شفه (جدول ۵) نیز می توان استنباط نمود که مقوله دانشی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در ۴ گروه می توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه های چهارم و پنجم در یک گروه، پایه ششم و اول در یک گروه، پایه دوم و پایه سوم نیز در گروه های جداگانه ای به لحاظ تفاوت میانگین ها از یکدیگر متمایز می شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آنست که: پایه های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی شود.

جدول ۵. آزمون شفه برای بررسی تفاوت معناداری نظرات معلمان در مورد مقوله های دانشی سواد تغذیه ای کتب علوم

متغیر	گروه	گروه ۲	گروه	گروه ۴
پایه چهارم			۱,۲۸	
پایه پنجم			۱,۶۷	
پایه ششم		۱,۷۳		
پایه اول		۱,۸۷		
پایه دوم	۲,۱۹			
پایه سوم				۲,۵۸
سطح معناداری	۰,۳۴	۰,۷۹	۰,۱۳	۰,۱۱

برای بررسی نظرات معلمان (پایه های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب های علوم به مقوله های مهارتی این سؤال از دیدگاه معلمان علوم تجربی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته های بدست آمده نظر اکثر معلمان در مورد مقوله های مهارتی سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم پایه در حد کم به پایین می باشد و فقط در کتاب علوم سوم متوسط و کم بود. جهت مقایسه نظر معلمان کلاسهای مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد و نتیجه حاصله نشان داد با توجه به جدول ۶ بین میانگین امتیازات معلمان پایه های اول تا ششم ابتدایی به مقوله مهارتی کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده گردیده است و میانگین ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با ۰,۰۰۱ گزارش شده که از سطح بحرانی ۰,۰۵ کوچکتر گزارش شده است. پس می توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه های اول تا ششم ابتدایی در مورد مقوله مهارتی سواد تغذیه ای کتاب علوم دارای تفاوت معناداری می باشد. به این معنی که مقوله های مهارتی سواد تغذیه در کتاب سال سوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و این کتاب دانش آموزان را بیشتر با مقوله های مهارتی سواد تغذیه آشنا می کند.

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد مقوله مهارتی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
دارای تفاوت معنادار	۰,۰۰۰۱	۱۹,۵۲	۵	۰,۶۱	۱,۲۵	پایه اول
				۰,۵۰	۱,۴۰	پایه دوم
				۰,۴۲	۱,۸۰	پایه
				۰,۷۷	۰,۷۴	پایه
				۰,۵۱	۰,۸۷	پایه
				۰,۶۰	۱,۳۸	پایه

با توجه به جدول آزمون شفه (جدول ۷) نیز می‌توان استنباط نمود که مقوله‌های مهارتی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در ۴ گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم و پنجم در یک گروه، پایه اول و ششم در یک گروه، پایه دوم و پایه سوم نیز در گروه‌های جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آنست که پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول ۷. آزمون شفه برای بررسی تفاوت معناداری نظرات معلمان در مورد مقوله‌های مهارتی سواد تغذیه‌ای کتب علوم

گروه ۴	گروه ۳	گروه ۲	گروه ۱	متغیر
			۰,۷۴	پایه چهارم
			۰,۸۷	پایه پنجم
		۱,۲۵		پایه اول
	۱,۳۸			پایه ششم
	۱,۴۰			پایه دوم
۱,۸۰				پایه سوم
۰,۰۶	۰,۹۲	۰,۰۹	۰,۹۶	سطح معناداری

برای بررسی نظرات معلمان (پایه‌های اول تا ششم) دوره ابتدایی در مورد کتاب‌های علوم به مقوله‌های ارزشی این سؤال از دیدگاه معلمان علوم تجربی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های بدست آمده نظر اکثر معلمان در مورد مقوله‌های ارزشی سواد

تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم در حد کم به پایین بوده و برای کلاس سوم در حد زیاد و متوسط به پایین می‌باشد. جهت مقایسه نظر دبیران کلاسهای مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد با توجه به جدول ۸ اختلاف دیده شده بین میانگین امتیازات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی به مقوله‌های ارزشی کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده گردیده است و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با ۰,۰۰۰۱ گزارش شده که از سطح بحرانی ۰,۰۵ کوچکتر گزارش شده است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد مقوله ارزشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد. به این معنی که مقوله‌های ارزشی سواد تغذیه در کتاب سال سوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و این کتاب دانش آموزان را بیشتر با مقوله‌های ارزشی سواد تغذیه آشنا می‌کند.

جدول ۸. آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد مقوله ارزشی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر
دارای تفاوت معنادار	۰,۰۰۰۱	۱۵,۴۹	۵	۰,۷۴	۱,۲۹	پایه اول
				۰,۶۷	۱,۵۶	پایه
				۰,۷۱	۱,۹۸	پایه
				۰,۶۸	۰,۶۶	پایه
				۰,۶۹	۱,۲۷	پایه
				۰,۷۸	۱,۲۷	پایه

با توجه به جدول آزمون شفه (جدول ۹) نیز می‌توان استنباط نمود که: مقوله‌های ارزشی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در ۳ گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم در یک گروه، پایه اول، دوم، پنجم و ششم در یک گروه و پایه سوم نیز در گروه جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آنست که پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول ۹. آزمون شفه برای بررسی تفاوت معناداری نظرات معلمان در مورد مقوله مهارتی سواد تغذیه‌ای کتاب علوم

متغیر	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳
پایه چهارم	۰,۶۶		
پایه ششم		۱,۲۷	
پایه پنجم		۱,۲۷	
پایه اول		۱,۲۹	
پایه دوم		۱,۵۶	
پایه سوم			۱,۹۸
سطح معناداری	*۱	۰,۶۲	۰,۲۰

در مورد تصاویر موجود در کتابهای علوم تجربی ابتدایی از نظر مقوله‌های سواد تغذیه (دانشی، مهارتی و نگرشی) نیز از نظر معلمان استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۱۰ ارائه گردید. بر اساس یافته‌های بدست آمده، نظر اکثر معلمان در مورد تصاویر مربوط به مقوله‌های سواد تغذیه موجود در کتب علوم اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم در حد متوسط و کم بوده و برای کلاس سوم در حد متوسط و زیاد می‌باشد. جهت مقایسه نظر دبیران کلاسهای مختلف نیز از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد و نتیجه حاصله نشان داد که بین میانگین امتیازات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی نسبت به تصاویر در یادگیری مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی در کتب علوم، تفاوت معناداری مشاهده گردیده است و میانگین‌ها دارای مقادیر متفاوتی با یکدیگر بوده و سطح معناداری نیز برابر با ۰,۰۰۰۱ گزارش شده که از سطح بحرانی ۰,۰۵ کوچکتر گزارش شده است. پس می‌توان استنباط نمود که نظرات معلمان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی در مورد تأثیر تصاویر در یادگیری مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی در کتب علوم دارای تفاوت معناداری می‌باشد. به این معنی که تصاویر موجود در کتاب سال دوم و سوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و این کتابها بیشتر دانش آموزان را با مقوله‌های سواد تغذیه آشنا می‌کند.

جدول ۱۰. آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نظرات معلمان در مورد تصاویر استفاده شده در کتاب علوم درباره مقوله‌های سواد تغذیه

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار F	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر	
دارای تفاوت معنادار	۰,۰۰۰۱	۵,۵۵	۵	۰,۸۴	۲	پایه	تصاویر کتاب علوم
				۰,۷۳	۲,۳۶	پایه	
				۰,۶۷	۲,۶۷	پایه	
				۰,۶۸	۱,۹۳	پایه	
				۰,۸۹	۲,۱۴	پایه	
				۰,۶۶	۲,۱۵	پایه	

با توجه به جدول آزمون شفه (جدول ۱۱) نیز می‌توان استنباط نمود که تأثیر تصاویر در یادگیری مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی در کتب علوم پایه اول تا ششم ابتدایی را در ۲ گروه می‌توان از یکدیگر متمایز نمود. پایه‌های چهارم، پنجم، اول، ششم و دوم در یک گروه و پایه سوم نیز در گروه‌های جداگانه‌ای به لحاظ تفاوت میانگین‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطوح معناداری هر گروه نیز بیانگر آنست که: پایه‌های موجود در هر گروه بسیار نزدیک به هم بوده و تفاوت معناداری میان آنان مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱۱. آزمون شفه برای بررسی نظرات معلمان در مورد تصاویر استفاده شده در کتاب علوم درباره مقوله‌های سواد تغذیه

گروه ۲	گروه ۱	متغیر
	۱,۹۳	پایه چهارم
	۲	پایه پنجم
	۲,۱۴	پایه اول
	۲,۱۵	پایه ششم
	۲,۳۶	پایه دوم
۲,۶۷		پایه سوم
۰,۷	۰,۲۲	سطح معناداری

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوا میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در متن کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی ۴۴٪ بود که بیشترین میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در متن کتاب سال دوم و سوم بوده است. از بررسی پیشینه‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از این یافته‌ها در قسمت مقوله‌های دانشی (شناخت گروه‌های غذایی اصلی) با یافته‌های رفیعان (۱۳۹۳) همسو است که در پژوهش به این نتیجه دست یافته که میزان توجه به گروه‌های غذایی اصلی در کتاب سوم ابتدایی بیشتر است همچنین بخشی از یافته‌های این تحقیق (توجه به مقوله‌ی ارتباط سلامت و بیماری با الگوی تغذیه)، با یافته‌های تحقیق ایزدی و صالحی عمران (۱۳۹۰) همسو می‌باشد آنها نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که به این مؤلفه‌ی تغذیه که یکی از مؤلفه‌های آموزش سلامت است در کتابهای علوم با ضریب اهمیت صفر، توجهی نشده است همچنین این پژوهش از نظر توجه اندک به زیر مقوله‌ی ارتباط سلامت و بیماری با الگوی تغذیه با تحقیق ایزدی و صالحی عمران (۱۳۹۰) نیز همسو است. میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات کتاب علوم ۲۲/۱٪ بود که بیشترین میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات کتاب سال سوم بوده است. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی مورد بررسی در سؤالات نشان می‌دهد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در سؤالات پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه دوم و سوم سیر نزولی داشته؛ این در حالی است که برای ایجاد و ابقاء عادات صحیح غذایی به آموزش‌های طولانی مدت نیاز است. از بررسی پیشینه‌های پژوهشی می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از این یافته‌ها (از لحاظ توجه بیشتر به مقوله‌های دانشی سواد تغذیه مانند شناخت گروه‌های غذایی و دانش مرتبط با کشاورزی) با یافته‌های رفیعان (۱۳۹۳) که در پژوهشش به این نتیجه دست یافته که میزان توجه به گروه‌های غذایی اصلی در متن، تصویر و سؤالات کتاب سوم ابتدایی بیشتر است، همسو است. میزان توجه به مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب‌های علوم تجربی ۳۳/۹٪ بود که بیشترین میزان پرداختن به مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر کتاب سال سوم بوده است. بر اساس نتایج تحلیل محتوا در اینجا نیز مشاهده شد که فراوانی مقوله‌های سواد تغذیه در تصاویر پایه‌های چهارم و پنجم و ششم نسبت به پایه اول، دوم و سوم سیر نزولی داشته است. با توجه به اهمیت سواد تغذیه به عنوان یک دانش کاربردی برای تأمین یک نیاز اساسی؛ به نظر می‌رسد که اهداف آموزشی این کتاب منطبق با نیازهای دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی نبوده و مستلزم تغییر است. بخشی از این یافته‌ها (از لحاظ پرداختن بیشتر مقوله‌های سواد تغذیه به تصاویر کتاب سوم) با یافته‌های رفیعان (۱۳۹۳) از نظر دارا بودن بیشترین فراوانی گروه‌های غذایی اصلی در متن، سؤالات و تصاویر مربوط به کتاب سوم همراستا است. همچنین یافته‌های این تحقیق در قسمت متن، سؤالات و تصاویر با پژوهش کیان (۱۳۹۴) نیز همسو است و این پژوهش‌ها همگی بر اهمیت آموزش سواد تغذیه به منظور ارتقای سطح آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای دانش آموزان تأکید می‌نمایند. همچنین یافته‌های وفایی نجار و همکاران (۱۳۹۳)، صمدی و کاظمی بازارده‌ی (۱۳۹۰)، جهانگیری و رجبی (۱۳۸۰)، پور عبداللهی و ابراهیمی ممقانی (۱۳۷۹)، میلو ساو لویچ و همکارانش (۲۰۱۵)، منوچهری نائینی و همکاران (۲۰۱۴)، بلاتکو و بوتله (۲۰۱۱)، فاستر و همکاران (۲۰۰۸) همراستا با نتایج تحقیق می‌باشد و همگی این تحقیقات توجه به سواد تغذیه و مسائل مرتبط با آداب تغذیه را مورد توجه قرار داده‌اند و معتقد بوده‌اند که آموزش‌های مدرسه‌ای به تغییر نگرش مثبت در سواد تغذیه دانش آموزان منجر خواهد شد. همچنین نتایج تحلیل محتوا مشخص کرد که میزان توجه به مقوله‌های دانشی در کتابهای علوم، بطور کلی ۸۲/۲٪ و میزان توجه به مقوله‌های مهارتی در کل محتوای کتاب‌های علوم تجربی شش پایه ۱۶/۶٪ و میزان توجه

به مقوله‌های نگرشی ۱/۲٪ می‌باشد. کودکان ابتدایی به دلیل اینکه دوره انتقال از کودکی به نوجوانی را در پیش دارند که با جهش رشد جسمی و بلوغ در آینده روبرو خواهند شد؛ بنابراین تغذیه این دوران از نظر رشد، اهمیت زیادی دارد و از آنجایی که یکی از مشکلات عمده تغذیه‌ای در این دوران وجود دانش ضعیف، باورهای غلط غذایی و در نتیجه عملکرد نادرست نوجوانان است لذا اصلاح باورهای تغذیه‌ای آنها از طریق برنامه‌های درسی مدرسه و رسانه‌های گروهی از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای دستیابی به جامعه‌ای سالم و پویا باید آموزش تغذیه و افزایش سواد تغذیه‌ای در همه ابعاد آن صورت گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر در بخش تحلیل محتوا، ضرورت بازنگری برنامه‌های درسی رسمی مدارس در جهت ارتقاء سواد تغذیه‌ای دانش آموزان نوجوان را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به نتایج این پژوهش و برجسته شدن نقش آگاهی، دانش و سواد تغذیه‌ای پیشنهاد می‌شود تا در برنامه‌های رسمی مدارس دوره ابتدایی، به آموزش تغذیه سالم و ارتقاء سواد تغذیه‌ای سالم دانش آموزان توجه بیشتری شود و این هدف از طریق برنامه‌ریزی‌های درسی مدون و بازنگری در محتوای کتابهای درسی پیگیری شود.

نظر بیشتر آموزگاران در مورد میزان مقوله‌های سواد تغذیه در محتوای کتابها(متن و فعالیتها) بر اساس نتایجی که از سؤال ۴ به دست آمد نشان داد که مقوله‌های دانشی سواد تغذیه در کتاب سال سوم و دوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و این دو کتاب دانش آموزان را بیشتر با مقوله‌های دانشی سواد تغذیه آشنا می‌کند که با یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای همین پژوهش نیز همسوست. این یافته با یافته‌های رفیعیان(۱۳۹۳) مبنی بر فراوانی بیشتر مقوله‌های دانشی سواد تغذیه در متن، تصویر و سؤالات کتاب سال سوم، همسو است. از بررسی نظر آموزگاران در مورد میزان مقوله‌های مهارتی و نگرشی در کتاب‌های علوم مشخص گردید که مقوله‌های مهارتی و نگرشی در کتاب سال سوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و این کتاب دانش آموزان را بیشتر با این دو مقوله آشنا می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در همین تحقیق همسو می‌باشد. ولی پژوهشی که به بررسی مقوله‌های مهارتی و نگرشی سواد تغذیه و بررسی نظرات معلمان در این مورد پرداخته باشد تاکنون انجام نگرفته است. از بررسی نظر آموزگاران در مورد تصاویر کتابها در مورد مقوله‌های سواد تغذیه هم مشخص گردید که از نظر آموزگاران تصاویر موجود در کتاب سال دوم و سوم بیشتر از سایر کتابها بوده است و تصاویر این کتابها دانش آموزان را بیشتر با مقوله‌های سواد تغذیه آشنا می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در همین تحقیق همسو می‌باشد همچنین این یافته با یافته‌های رفیعیان(۱۳۹۳) مبنی بر فراوانی بیشتر مقوله‌های سواد تغذیه در متن، سؤالات و تصاویر مربوط به کتاب سال سوم همسوست. بنابر نتایج تحقیق حاضر در نظرخواهی از معلمان ۶ پایه ابتدایی مشخص گردید که اطلاع رسانی کتاب علوم سوم از نظر مقوله‌های دانشی، مهارتی، نگرشی و تصاویر نسبت به معرفی و شناسایی مقوله‌های سواد تغذیه از وضعیت بهتری برخوردار بوده است. با توجه به اینکه نگرشها و عاداتی که در کودکی شکل می‌گیرند در تصمیم‌گیری‌های دوران بزرگسالی نقش بسزایی ایفا می‌کنند؛ از این رو، دوره آموزش ابتدایی اساس دوره‌های بالاتر و تجارب دانش‌آموزان است که در صورت مرتبط بودن، برانگیزنده، سودمند و مؤثر و با یادگیری همیشگی همراه خواهند بود؛ پس بهتر است آموزش مفاهیم حتی اگر بسیار اندک از این دوره آغاز و در دوره‌های بالاتر تکمیل شود. در این راستا، کتاب‌های درسی باید پاسخگوی نیازهای عاطفی، اجتماعی و ارضای حس کنجکاوی دانش‌آموزان بوده و امکان شناخت لازم از خود، دنیای پیرامون و ارزشها را به آنها بدهد و در آنها امید و آرامش ایجاد کند. برنامه‌های درسی به عنوان درون‌داد نظام آموزشی، بستر تمامی ارزشها و نیازهای فردی

و اجتماعی است و به همین دلیل تشخیص و شناسایی نیازها و اولویت های آنها محوری ترین عنصر در تصمیم گیری های آموزشی محسوب می شود. با توجه به اهمیت سواد تغذیه به عنوان یک دانش کاربردی برای تأمین یک نیاز اساسی؛ به نظر می رسد که اهداف آموزشی این کتاب منطبق با نیازهای دانش آموزان دوره ی ابتدایی نبوده و مستلزم تغییر است. امیدوار (۱۳۸۶) معتقد است که تغییر و بهبود رفتارهای تغذیه ای دانش آموزان نیاز به مجموعه ای از مداخله ها مانند تغییر برنامه درسی دارد. بنابراین با توجه به اهمیت حیاتی موضوع سواد تغذیه و این که آموزش و پرورش تنها نهاد رسمی است که در کنار خانواده عهده دار تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است و از سوی دیگر تنها ابزار آموزشی کشور ما کتاب درسی است که به صورت مکتوب و مدون وسیله ی تعلیم و تربیت می باشد. بنابراین محتوای کتابهای موجود باید انتظارات را برآورده سازد. در حالی که نتایج این پژوهش و نظرخواهی از معلمان نشان می دهد که کتابهای درسی مقطع ابتدایی به طور مؤثر و کافی به آموزش مقوله های سواد تغذیه پرداخته است؛ و به ویژه موضوع کمیت مصرف که مربوط به راهنمای تغذیه روزانه و از ابعاد اصلی الگوی مصرف می باشد، مسئله ارتباط تغذیه و سلامت و بسیاری از مسائل دیگر سواد تغذیه نادیده گرفته شده است.

پیشنهادهات

- همچنین با توجه به اهمیت تغذیه و سواد تغذیه و تأثیر کتابهای درسی بر آن پیشنهادهایی مطرح می شوند که عبارتند از:
- ۱- تناسب پراکندگی مقوله های مربوط به مقوله های سواد تغذیه در قسمت های مختلف متن، تصویر و سؤالات رعایت گردد.
 - ۲- به مقوله های سواد تغذیه در هر سه حیطه (دانشی، مهارتی و نگرشی) در کتب درسی توجه بیشتری شود.
 - ۳- از متن، تصاویر و فعالیت های بیشتری برای پرداختن به مقوله های سواد تغذیه در کتب دوره ابتدایی استفاده شود..
 - ۴- پیشنهاد می شود که به هنگام تألیف، تدوین یا اصلاح کتب درسی از نظرات دبیران نیز استفاده گردد.
 - ۵- پیشنهاد می گردد میزان توجه به مقوله های سواد تغذیه در کتاب های دوره ابتدایی با کتب دوره ابتدایی دیگر کشورها نیز مقایسه گردد.
 - ۶- دوره ابتدایی با دوره های دیگر تحصیلی از لحاظ میزان پرداختن به مقوله های سواد تغذیه مقایسه شود.
 - ۷- با توجه به اینکه معلمان نقش اصلی را در آموزش کتاب های درسی ایفا می کنند پیشنهاد می شود میزان توجه محتوای کتاب ها به مقوله های سواد تغذیه از دیدگاه آنان نیز با روش دیگری بررسی و با تحقیق حاضر مقایسه شود.

منابع

۱. امیدوار، نسرین، (۱۳۸۶). اهمیت مداخله‌های مبتنی بر جامعه در سطح مدارس در بهبود رفتار و وضعیت تغذیه‌ای کودکان، نهمین کنگره تغذیه ایران، تبریز، مرکز تحقیقات علم تغذیه.
۲. ایزدی، صمد؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ عابدینی، میمنت، (۱۳۸۹) تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر اساس مرفه‌های آموزش سلامت. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۳، سال نهم.
۳. بایگی، فرشته، جزایری، ابوالقاسم، حقیقیان رودسری، آرزو، (۱۳۸۶). شیوع سوء تغذیه در کودکان و برنامه‌های مداخله‌ای با محور فقر زدایی، نهمین کنگره تغذیه ایران، تبریز، مرکز تحقیقات علوم تغذیه.
۴. پور عبداللهی، پروین؛ ابراهیمی‌مقانی، مهرانگیز، (۱۳۷۹). آگاهی‌های تغذیه‌ای دختران دانش آموز تبریز، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین، شماره ۱۶.
۵. توکلی ساری بگلو، علیرضا، (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان دانش تغذیه‌ای، شاخص‌های آنتروپومتریک و آمادگی جسمانی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان شهریار، دانشگاه محقق ادیبی، اردبیل.
۶. جهانگیری، جهانگیر، رجبی، ماهرخ، (۱۳۸۶). بررسی فرهنگ و سواد تغذیه‌ای زنان در شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره شانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۲.
۷. دهقانی، مرضیه، (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مهارتهای اجتماعی به توجه به دیدگاه آموزگاران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۱، سال هشتم.
۸. رسولی، آرزو، (۱۳۸۸). بررسی تأثیر برنامه آموزشی مدون بر رفتارهای تغذیه‌ای دانش آموزان دختر راهنمایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی.
۹. رفعیان، مصطفی، (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتابهای علوم تجربی دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به سواد تغذیه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده علوم انسانی.
۱۰. ساویج کینگ، فلیسیتی، بورگس، آنا، (۱۳۸۳). تغذیه برای کشورهای در حال توسعه، ترجمه امین پور، آزاده و همکاران، تهران، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور ۱۳۸۳.
۱۱. سند ملی توسعه فرابخشی امنیت غذا و تغذیه، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۸۳.
۱۲. صمدی، پروین، کاظمی بازردهی، سید معصومه، (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتب ابتدایی بر اساس الگوی صحیح مصرف مواد غذایی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۲۲، سال ششم، ۱۴۰-۱۱۷.

۱۳. کیان، مریم، (۱۳۹۴). تحلیل برنامه درسی مغفول سواد تغذیه‌ای در دوره تحصیلی متوسطه، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم شماره ۶.
۱۴. معتمدرضایی، ام البنین، مودی، میترا، میری، محمد رضا، خدادادی، مریم و هاشمی فرد، طاهره، (۱۳۹۰). تأثیر آموزش تغذیه و بهداشت مواد غذایی بر آگاهی معلمان زن ابتدایی شهر فردوس، *مجله تحقیقات نظام سلامت*، سال هفتم، شماره ششم.
۱۵. وفایی نجار، علی، سپاهی باغان، مهدیه، ابراهیمی پور، حسین، میری، محمد رضا، اسماعیلی، حبیب الله، لعل منفرد، الهه و میرزایی، نسیم، (۱۳۹۳). تأثیر آموزش تغذیه در دوران بلوغ بر آگاهی و عملکرد تغذیه‌ای دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر بیرجند، *مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، دوره ۲۱، شماره ۲.
۱۶. Allen, J., *Tools for Teaching Content Literacy*, Portland, ME: Stonehouse Publishers, ۲۰۰۴.
۱۷. Blanco, Estela & Boutelle, Kerri., (۲۰۱۱). "Maternal Attitudes and Behaviors Regarding Feeding Practices in Elementary School-Aged", *Journal of the Academy of Nutrition and Dietetics*, ۷۹(۶):۷۵۹-۷۱۰.
۱۸. Foster, Gary. D., (۲۰۰۸). A Policy Based School Intervention to Prevent Over weight and Obesity, *Pediatrics*, ۱۲۱ (۴), pp: ۷۹۴-۸۰۲.
۱۹. Manouchehri Naeeni, M., Jafari, S., Fouladgar, M., Heidari, K., Farajzadegan, Z., Fakhri, M., Karami, P., & Omidi, R. (۲۰۱۴). "Nutritional Knowledge Practice, and Dietary Habits among school Children and Adolescents", *International journal of preventive medicine school health* (special issue ۲).
۲۰. Milosavljevic, D., Mandic, ML., Banjari, I, (۲۰۱۵). *Nutritional knowledge and dietary habits survey in high school population*, Col: *Antropol*, ۳۹, ۱: pp ۱۰۱-۱۰۷.